



سید محمود صموتی
(۱۳۳۸)
معلم و کارشناس آموزش های فنی
و حرفه ای

سید محمود صموتی در تهران متولد شده است. وی دوران تحصیل را در مدارس شهر دماوند گذراند و در سال ۱۳۴۶ در رشته برق و الکترونیک هنرسرای عالی (دانشگاه علم و صنعت کنونی) پذیرفته شد. پس از مدت کوتاهی کار در ذوب آهن اصفهان و تلویزیون ملی ایران، وارد آموزش و پرورش شد و در شهر بابل به تدریس در هنرستان و انستیتو تکنولوژی پرداخت. در سال ۱۳۵۳ به آمریکا اعزام شد و پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته برق به ایران بازگشت و در مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه شهید رجایی به خدمت مشغول شد. سید محمود صموتی در کارشناسی و تألیف و ویرایش کتاب های فنی و حرفه ای در آموزش و پرورش منشأ خدمات فراوانی بوده است. به همین دلیل به کسب مقام هایی نیز نایل شده است، از جمله: مدرس نمونه کشوری از دانشگاه شهید رجایی (۱۳۷۲) و پیش کسوت نمونه در جشنواره شهید رجایی (۱۳۷۹). ایشان از جشنواره خاتم دانشگاه علم و صنعت ایران و نیز از کالج کلمبو (سریلانکا) در دوره روش های تحقیق برای ارزشیابی و گسترش آموزش های فنی و حرفه ای (۱۹۹۰م) لوح تقدیر دریافت کرده است.

معلم در اندیشه ها

– کسب فضیلت و وظیفه اساسی هر آدمی است. در این وظیفه دانشجو می تواند و حق دارد که از آموزگار خود هم جلوتر برود و زودتر به مقصد برسد.

الفبا را به آن ها بیاموزید

الفبا یعنی کلید بهشت، کلید بهشت را در اختیار مردم بگذارید، همین قدر بس است، دیگر کاری نداشته باشید. کسی که کلید بهشت را به دست دارد می تواند وارد آن شود، شما کاری غیر از این ندارید که طبقات اجتماعی را روشن کنید. روشنی به وسیله نور دانش انجام می گیرد. علم یعنی روشنی. این نورافکن قوی را تا اعماق ظلمات اجتماعی نفوذ دهید.

تاریک ها را روشن کنید و زوایای تاریک را در معرض این اشعه حیات بخش قرار دهید. کسی که تعلیم یافت، گرد رذائل نمی گردد، شجاع می شود، فکور می شود و صریح الهجه می شود. شجاعت و تفکر و صراحت لهجه اساس فضیلت است. پس شما آن ها را تعلیم بدهید، همین قدر کافی است.

راه را به آن ها نشان بدهید.

الفبا را به آن ها بیاموزید، آن ها را نورانی کنید و چشمشان را باز کنید.

ویکتور هوگو

از کتاب نقش معلم در تمدن جهان
تألیف سید جلال الدین افتخارزاده

مهمان، پدر، معلم

قال علی (ع) ثلاث لا یستحیی منهن خدمه الزجل ضیفه و قیامه عن مجلسه لایبه و معلمه و طلب الحق و ان قل علی (ع) می فرماید سه کار شرم بر نمی دارد: خدمت به مهمان. برخاستن از جا در مقابل پدر و معلم، گرفتن حق خود اگر چه ناچیز باشد.

جلال الدین دوانی

معلم را بر پدر شرف باشد به قدر آنکه روح را بر جسم شرف است، زیرا معلم سبب کمال و تربیت روحانی است و پدر سبب تربیت جسمانی.

امر سن

اگر چه یک مسئله علمی را به شاگرد یاد دادن کار آسانی است، ولی او را با امید و اراده و جدیت تربیت کردن و قوای روحی اش را برای کار آماده ساختن، کاری است دشوار که از همه کس ساخته نیست.

لوامع الاشراف

از بزرگی پرسیدند که چرا احترام آموزگار را از پدر بیش می داری؟
جواب گفت: پدر فراهم سازنده زندگانی فناپذیر من است و آموزگار سبب حیات جاودانی من.

کنفوسیوس

– آموزگار و دانش آموز باید زندگی خود را نمونه و نشانه درخشانی از آنچه می آموزند قرار دهند و گر نه مانند کسانی هستند که راهی را شناخته اند ولی از آن راه نمی روند، یا مانند بیمارانی اند که دآوری شفابخش را از طبیب گرفته اند ولی آن را نمی خورند.